حسین زمان:

صداوسیما اهمیتی به مردم نمی‌دهد

با امضای علی لاریجانی ممنوع‌الکار شدم

حسین زمان هنرمند شناخته شده، موسیقی پاپ ضمن انتقـاد شـدید از نگاه‌های محدودکننده بـه مقوله هنر به سایت دیده‌بان ایران گفت: هنرمند نمی‌تواند به بهانه اینکه «سیاست زدگی» چیز بدی است دچار خود سانسوری شود و تن به «عافیت طلبی» و «محافظه کاری» بدهد.

زمان یکی از خوانندگان برجسـته موسـیقی پاپ پس از انقلاب اسـلامی اسـت که در دهه هفتاد نظر بسیاری از علاقمندان به موسـیقی را به خود جلـب کرد. هرچند به یکباره و به دلایل کاملا سیاسـی از عرصه هنر و موسیقی کنار رفت و نزدیک به دو دهه بیشـتر تمرکز خود را بر امر تدریس معطوف کرد. بررسـی زندگی حسین زمان نشان می‌دهد که او یکی مبارزان سیاسـی پیش از انقلاب است و کنش‌گری‌های سیاسی او در دهه‌های اخیر به هیچ هنوان بدون پشتوانه فکری و عقیدتی صورت نگرفته است.

بازپخش یکی از آثار معروف حسین زمان با نام «مسافر» در فضای مجازی به بهانه آغاز نمایش سریال «بی‌گناه» در شبکه‌های اجتماعی بهانه‌ای شد تا ضمن گفت‌وگویی کوتاه با این هنرمند پیشکسوت در عرصه موسیقی، نظر او را درباره وضعیت فعلی هنر و برخی نگاه‌های حاکمیتی جویا شویم.

آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگوی سایت دیده‌بان ایران با این چهره شاخص در عرصه موسیقی «پاپ» است:

آقای زمان! لطفاً بفرمایید چه روندی باعث شد تا اجازه انتشار یکی از معروفترین آثار خود (مسافر) را برای تیزر ساخته شده از سوی صفحه اینستاگرامی «سـینما نوین» جهت تبلیغ یک سریال در نمایش خانگی را صادر کنید؟

کسی از من اجازه نخواسته و استفاده از ترانه مسافر بدون اطلاع من بوده است!

به نظر شـما پس از چندین سال محدودیت برای هنرمندانی چون شـما از سـوی وزارت ارشـاد و رسانه‌های حاکمیتی از جمله صدا و سیما، کدام بخش بیشتر متضرر شد؟ هنرمندان، ارشاد و صدا و سیما و یا حتی مردم؟

سـال‌های اولیه محرومیت افرادی همچون من، به دلیل فعال نبودن رسـانه‌ها در فضای مجازی، کار برای ما سخت بود چون رساندن صدایمان به مردم مشکل بود؛ به خصوص برای امثال من که نه ترانه‌هایم از صدا و سیما پخش میشد و نه برای هفده سال اجازه اجرای زنده داشتم.

البته باید تأکید کنم ممنوعیـت پخش آثار من از صدا سیما، خواسـته خودم بود و با اسـتقبال صدا و سیما نیز روبرو شـد. آقای لاریجانی طی یک دستور مکتوب به همه شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی پخش آثار من را ممنوع کرد و این دستور از آن زمان تا کنون پا برجاست.

قطعا ممانعت از کنسرت‌ها و پخش نشدن ترانه‌ها از صدا و سـیما به من لطمه بزرگی زد ولی اصلا پشیمان نیستم زیرا حاضر نبودم یک خواننده سفارشی و فرمایشی باشم و دوست نداشتم با مجموعه‌ای که مردم برایش هیچ اهمیتی ندارد همکاری نمایم تا بتوانم شهرت کسب نمایم.

فکر می‌کنید نگاه‌های سیاسی به هنر و به نوعی تلاش برای حاکمیتی کردن هنر، چه آسیب‌هایی را در پی خواهد داشت؟ در همین رابطه شاهد بودیم که آقای محمود سـالاری معاون هنری وزارت ارشاد به صورت علنی فرمودند که نماینده هنرمندان نیستند و حتی وزراتخانه متبوع ایشان حاضر نیست برای آثار «دِلی» هنرمندان پول و یا حمایتی را هزینه کند!

این سیاسـی به هنر نگاه کردن باید تفهیم شـود. من معتقدم از مهم‌ترین وظایف هنرمندان آشنایی با واقعیت‌های تلخ و شیرین جامعه و بیان زیبای آن واقعیت‌ها به زبان هنر است. چون واقعیت‌های موجود در جامعه درگیر با سیاست هستند بنابراین هنرمند نمی‌تواند به بهانه اینکه «سیاست زدگی» چیز بدی اسـت دچار خود سانسوری شود و تن به «عافیت طلبی» و «محافظه کاری» بدهد.

وظیفه یک هنرمند روشـنگری و آگاهی بخشی است و البته نقد حاکمیت آنجا که مصلحت مردم در آن است، لازم است، ولو در این مسیر ضربه بخورد.

اما حاکمیت حق ندارد برای حفظ بقای خود هنرمندان را دعوت به سکوت نماید چرا که با این کار هنر متعهد را زیر پا می‌گذارد و هنر را آلوده به سرسـپردگی می‌نماید. چنین نگاه سیاسـی به هنر از جانب حاکمان قبیح و غیر اصولی اسـت. هنرمندان عزیز هم باید به اسـتقلال و آزادی عمل خود احترام بگذارند و حاضر به سفارشـی و فرمایشـی کار کردن نشوند.

تورج نصر و تجربه بازی در سریال «سلمان فارسی»

داوود میرباقری بداخلاق نیست، فقط حساس است

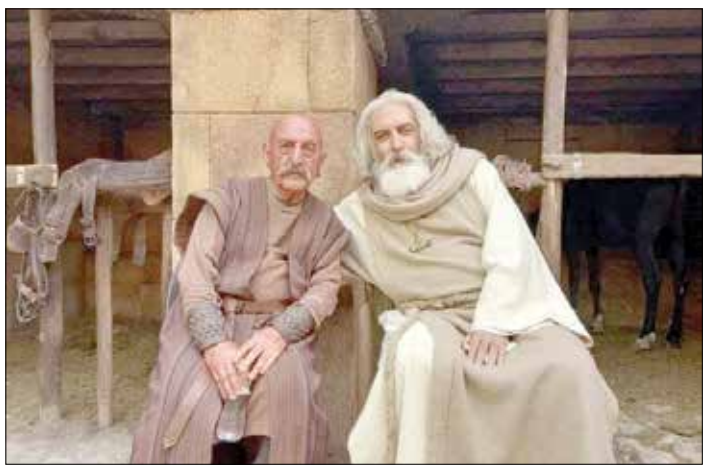

تورج نصـر، دوبلـور و بازیگر ایـن روزها مشغول ایفای نقش در سریال تاریخی «سلمان فارسـی» به کارگردانی داوود میرباقری است. این صداپیشه قدیمی در توضیح شخصیتش در این سریال الف ویژه می‌گوید: نقش یک خادم فضول را بازی می‌کنم کـه در عین حالی که جدی اسـت اما در جاهایی ناخودآگاه نقشش طنز می‌شـود.تورج نصر که اولین بار است با داوود میرباقری تجربه همکاری دارد، او را یکی از کارگردان‌های حرفه‌ای، کاربلد و در عین حال حسـاس اما خوش اخلاق می‌داند و می‌گوید: برخی می‌گویند داوود میرباقری بداخلاق است اما اتفاقاً ایشان اصلا بداخلاق نیست بلکه فقط حساس است و حرفه‌ای کار می‌کند.

نقش یک خادم فضول را بازی می‌کنم

داوود شـعبانی نصر معروف به تورج نصر، در گفت‌وگویی با ایسـنا دربـاره حضورش در پروژه «سلمان فارسی» و اینکه گفته می‌شود قرار است سه نقش متفاوت را در این مجموعه داشته باشـد، ابتدا توضیح داد: بنده فعلاً یک نقـش را بازی کـرده‌ام و آن هم نقش طارق، یکی از خادمان دربار روزبه اسـت که با آقای روزبه رفیق می‌شـود و ...؛ درباره بقیه نقش‌ها هنوز قطعیتی وجود ندارد و مشـخص نیست. گروه تولید به من گفتند ممکن اسـت علاوه بر نقشـی که دارم از رول‌های دیگر هم از من کمک بگیرند.

در کل این سـریال پربازیگر اسـت و فکر می‌کنم از هر بازیگر حداقل در دو نقش استفاده شـود اما در مورد من هنوز به غیر از نقشی که دارم، صحبت قطعی نشده است.

وی ادامه داد: نقشـم در سـریال «سلمان فارسی» کلیدی و محوری است و به نوعی یکی از نقش‌های اصلی داسـتان محسوب می‌شود. خیلی جاهـا آقای میرباقری در مورد نقشـم سکانس اضافه می‌کردند. نقش طارق دو وجهی اسـت؛ یعنی در عین حال که جدی است اما کمدی هم هسـت. به دلیل اینکه صدای من خودش کمی طنز دارد و نقشم هم کمی فضول است و در کارها سرکشی می‌کند، خود به خود نقشم طنز می‌شود اما سعی نشده نقش به طور کامل طنز باشد. به نظرم «سلمان فارسی» یک کار بی نظیر و عالی است.

این بازیگـر درباره همـکاری اش با داوود میرباقری و تجربه ایفای نقش در سـریال‌های تاریخـی تلویزیـون هم اظهار کـرد: پیش از سلمان فارسی، در شـیخ مفید و افسانه هزار پایان هم به عنـوان پروژه‌های تاریخی حضور داشتم و سلمان فارسی سومین کار تاریخی ام است. اولین بار اسـت کار با آقای میرباقری را تجربه کردم و به نظرم ایشـان بی نظیر است چون بسـیار انسـان کاربلد، خوش اخلاق و فهیمی هستند.

برخلاف اینکه برخی‌ها می‌گویند ایشـان سخت‌گیر و بداخلاق است اما اتفاقاً اصلا سخت گیر نیسـت و فقط حرفه‌ای کار می‌کند و در کارش حساس است به ویژه در ادای جمله‌ها. او در سریال «سلمان فارسی» افراد حرفه‌ای را انتخاب کرده است.

او گفت: در این مجموعه بیشتر سکانس‌هایم بـا آقای شـجاع نوری بـود و ایشـان هم از هنرپیشه‌های قَدَری هستند. در کل چیدمان آقای میرباقـری واقعا بی نظیر اسـت؛ یعنی افرادی را کنـار هم می‌گذارد که هیچکدام در مقابل یکدیگر کم نیاورند.

حدود یک ماه و نیم اسـت که همکاری ام را با آقای میرباقری شروع کرده‌ام و خیلی هم راضی هستم؛ البته قبلاً سر دوبله سریال «امام علی (ع)» ایشان را دیده بودم.

ایشـان واقعا برای پروژه «سلمان فارسی» زحمت می‌کشـند و به نظـرم کار زیبایی از آب در خواهـد آمد. «سـلمان فارسـی» نیز مثـل پروژه‌های دیگر آقای میرباقری همچون «مختارنامه» و «امام علـی (ع)، جزو کارهای شاخص ایشان خواهد شد.

نصر کـه صدایش بیشـتر در کارتون‌های خاطره انگیزی چون شیپورچی، جیمبو و پسر شجاع شنیده شده است در پاسخ به اینکه گریم در این سـریال چطور بود، آیا گریم سنگینی داشتید؟ خاطرنشان کرد: گریمم اصلا سنگین نبود.

پسـر آقای اسـکندری گریمور ما بودند و فقط به من یک سـبیل اضافه کردند (با طنز). شـخصیت طارق از ابتدا با ریش طراحی شده بود اما وقتی آقای میرباقری گریمم را دید گفت ریش نباشد و با سبیل گریمش کنید؛ بنابراین اصلا اذیت نشدم و گریم آنچنانی هم نداشتم و خیلی ساده با صدای خودم کار کردم.

کارتون‌های دهه ۶۰ کجا و کارتون‌های الان کجا!

تـورج نصر در پایان دربـاره فعالیت‌هایش در حـوزه دوبله و توصیفـش از اوضاع فعلی دوبله هم گفت: دوبله حرفه اصلی ام اسـت و همچنان مشـغولم. در حال حاضر انیمیشـن «شکرسـتان» را با خانم شوکت حجت داریم، یکسری کارتون‌های جدید هم کار می‌کنیم اما متاسـفانه اوضاع دوبله خوب که نیست خیلی هم بد اسـت. بارها تاکید کـرده ام که باید به این حـوزه اهمیت داده شـود و کارتون‌های خوب و باکیفیت وارد کنیم. اولاً نباید سانسور داشـته باشیم دوما کسانی کارتون و فیلم‌های سینمایی را خریداری کنند که این کاره باشند؛ یعنـی به نظرم خود انجمن دوبله باید این کار را انجام بدهد. متاسـفانه از میان ۱۰ کارتونی که وارد می‌شـود، شاید فقط یکی از کارتون‌ها جذاب باشـد و از نظر من بقیه به هیچ دردی نمی‌خورند. به عنوان مثال شـیپورچی، پسر شـجاع و جیمبو کجا و کارتون‌های الان کجا! در دهـه ۶۰ کارتون‌ها واقعا بی نظیر بودند اما الان کیفیت ندارند.

یک مجسمه‌ساز با انتقاد از جابه‌جایی اثرش:

توضیحات دانشگاه هنر خلاف واقعیت است

محسن رافعی ـ مجسمه‌ساز ـ سوم شهریورماه ـ به ایسـنا خبر داد که اثـر «جای به جای» از او را که در دانشـگاه هنر نصب شده بود، بدون اجـازه‌اش به عنوان مالک مـادی و معنوی کار به نزدیکی برج میلاد تهران منتقل کرده‌اند که دانشگاه هنر در پاسخی به اظهارات او جوابیه‌ای صادر کـرد و این اقدام را «لزوم نمایش دوره‌ای آثار همه دانشجویان» عنوان کرد. این هنرمند در پی صحبت‌های دانشگاه و البته جابه‌جایی دوباره اثرش این بار به مکانی نامعلوم، اظهاراتی انتقادی را مطرح کرده است.

در متنی که رافعی در اختیار ایسنا قرار داده، آمده است: «متاسفانه سراسر توضیحات دانشگاه در پاسـخ به این تصمیم و عملکرد غیرقانونی و غیرمنطقی، در تضاد با امر واقع است. من در سال ۹۰ وارد دانشگاه هنر شدم و در بهمن سال ۹۴ با پروژه نهایی «راهاب» از رشته مجسمه‌سازی فارغ‌التحصیـل شـدم. در پاییـز ۹۷ به عنوان هنرمندی مستقل، طرح اثر «جای به جای» را به مدیر گروه مجسمه‌سازی دانشگاه هنر جناب آقای گلناری تقدیم کردم که با تایید اسـاتید محترم گروه مجسمه، پروپوزال طرح به ریاست دانشکده تجسمی سـرکار خانم دکتر صالحی و ریاسـت دانشـگاه جناب آقای دکتر سلطانی ارائـه و با موافقت و همکاری ایـن بزرگواران و همکاری همه ارکان دانشگاه از جمله دفتر فنی و نظـارت بر امور عمرانی و مدیر امور عمومی و حراست دانشگاه و امکانات لجستیکی دانشگاه و با همراهی کارشناس فنی گروه مجسمه‌سازی در مدت حدود چهار ماه ساخته شد و برخلاف توضیحات دانشـگاه اثر در اردیبهشـت ۹۸ در مراسـمی با حضور ریاسـت دانشکده تجسمی خانم دکتر صالحی و مدیر گروه مجسمه‌سازی آقای گلناری با حضور اسـاتید پیشکسـوت و هیات مدیره انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران با حضور هنرمندان و دانشـجویان دانشگاه هنر رونمایی شـد. نه ریاست دانشـگاه و نه ریاست دانشکده تجسمی در زمان ارائه طرح، هیچ یک مخالفتی با ساخت اثر و موقتی بودن مجسمه را نه به صورت کتبی و نه شفاهی به اینجانب اعلام نکرده‌انـد که در غیر این صورت این امر مهم را بایستی کتبا به من اطلاع می‌دادند این در حالی است که در طول ساخت نیز همه گونه همکاری لازم را داشته‌اند که بسیار سپاسگزارم. در بخش دیگری از این نوشـته آمده است: در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۴۰۱ طـی نامه‌ای دکتـر مترجم‌زاده ریاست دانشکده تجسمی دستور ریاست دانشگاه را مبنی بر برچیده شدن یا انتقال اثر به بیرون از دانشگاه را به اینجانب اطلاع رسانی کردند که با اعلام مخالفت من با انتقال اثر به بیرون دانشگاه، متاسفانه در بامداد سـوم شهریور ۱۴۰۱ بدون هماهنگـی و اعلام و رضایـت من اثر را منتقل کردند که به‌صورت اتفاقی یکی از دانشجویان اثر را دیده و صبح سـوم شهریور مطلع شدم. نکته دیگر در مورد فضای محوطه دانشگاه است که با ساخت این کار انگیزه ساخت آثار بزرگ در آن محوطه دانشگاه به وسیله دانشجویان نیز تقویت شد که این امر بایستی باعث خوشحالی دانشگاه از فعال شدن محیط دانشگاه شود که امیدوارم این اتفاق بیفتد که در صورت ساخت آثار بزرگ هم‌اکنون محوطه دانشگاه قابلیت نصب ده‌ها اثر بزرگ در محوطه بزرگ فضای باز دانشگاه را دارد که تاکنون به‌عنوان پارکینگ استفاده شده است و اثر «جای به جای» فضای کار برای دانشجویان را تنـگ نکرده اسـت و خود دانشـجویان نیز خواسـتار برگشـت این اثر به دانشگاه هستند. طبق اعلام مسـوولان دانشگاه مالکیت مادی و معنوی اثر متعلق به اینجانب اسـت اما چگونه بدون رضایت و هماهنگی با من، بامداد سـوم شهریور اثر را از دانشگاه به کناره بلوار برج میلاد منتقل کردند و به واسـطه اطلاع مسوولان برج میلاد از این انتقـال غیرقانونی و غیرمنطقی و اعتراض به این امر، مسـئولین دانشگاه دوباره بدون اطلاع و رضایت صاحب و سازنده اثر بامداد پنجم شهریور اثر را از این مکان به جایی نامعلوم منتقل کرده‌انـد، این نقض مالکیـت مادی و معنوی صاحب و هنرمند اثر است. در توضیحات دانشگاه نیت انتقال اثر را رسمیت بخشی و گریز از یک‌جایی اعلام شده که بدون رضایت هنرمند اثر چگونه به اثر رسـمیت می‌بخشند؟ آن هم اثری مکان ویـژه که در مکانی دیگر، فاقد معنا می‌شود و تغییر مکان آن نشان دهنده عدم درک و احاطه بر رویکرد آثار مکان ویژه است. در این اثر با رویکرد مکان ویژه بایستی با در نظر گرفتن و بررسـی تمامی پارامترهـای موجود از جمله مسـاحت، ابعاد، اقلیم، فضا و کاربری مکان که از فضایی نظامـی به فضای آموزش هنر تبدیل شـده و کنتراسـتی ویژه را بوجود آورده است. اثـر در فضای بیرونی نصب می‌شـود و جامعه مخاطبین اثر افرادِ جوان و پرشـور و هنرجویان آشـنا به تاریخ و روند هنر و آثار معاصرند که با توجه ویژه به کمبودهایی کارکردی، عملکردی، سازماندهی فضا و سرزنده‌گی مکان بایستی اثری طراحی می‌شـد که پاسخی مناسب به نیازهای فضا داشـته باشد... در این میان دانشگاه هنر به عنوان تنها دانشگاه مادر تخصصی هنر بایستی مامنی برای اینگونه آثار جدید، معاصر و پیشرو باشد ولی چه افسوس که درست در نقطه مقابل این عملکرد قرار گرفته و بدنبال از بین بردن این اثر مکان ویژه است.»

مسافر آستانه:

تعزیه را به حال خودش رها کردیم

حسـین مسافرآسـتانه گفت:تأثیرگذاری تعزیه از انواع گونه‌های نمایشی دیگر به‌مراتب بیشتر اسـت ولی ما تعزیه را در مناسبت‌های محـدود و بـه حال خـودش رهـا کردیم و متأسـفانه این هنر پویا را به دست فراموشی سپرده‌ایم. به گزارش ایسـنا به نقل از روابط عمومی بنیاد فرهنگی روایت فتح، نخسـتین شب سـوگواره آیینی «زخم عتیق» با حضور سید محمد نادری رئیس بنیاد فرهنگی روایت فتح، حسـین مسافر آسـتانه دبیر و مدیرکل اسـبق مرکز هنرهای نمایشی، محمد دشت گلـی، محمد حبیبی مدیـر انجمن هنرهای تجسـمی انقلاب و دفاع مقـدس، وحید فخر موسـوی دبیر جشـنواره بین المللـی تئاتر مقاومت، حمید نیلی مدیر تماشاخانه ایرانشهر و برخی از مدیران و پیشکسوتان بنیاد فرهنگی روایت فتح در محوطه باز این بنیاد برگزار شد. در این مراسم حسین مسافر آستانه با اشاره به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های منحصربه‌فرد تعزیه و پیوند عموم جامعه با فرهنگ عاشورایی گفت: تعزیه از جمله هنرهای خاص ایرانی است که نظیـرش در هیچ کجای دنیا وجود نداشـته هرچند خیلی از کشـورها به تقلیـد از ایران گروه‌های تعزیه تشـکیل دادند، ولی متأسفانه در کشور ما همچنان به‌عنوان هنر خودجوش باقی‌مانده است.

از تعزیه می‌توان به‌عنوان عامل اصلی پیوند مفاهیـم عاشـورایی با جامعه نـام برد یعنی قشـرهای ما از هر نوع تفکری در تعزیه یک وجه مشترک دارند و آن پیوندشان بافرهنگ عاشورای اسـت که آن را تأثیرگذار و ماندگار کرده است.تأثیرگذاری تعزیه از انواع گونه‌های نمایشـی دیگر به‌مراتب بیشـتر است ولی ما تعزیه را در مناسـبت‌های محـدود و به حال خودش رها کردیم و متأسفانه این هنر پویا را به دست فراموشی سپرده‌ایم درحالی‌که می‌توان در طول سـال با محتواهـای منحصربه‌فردی چون فکاهی و اجتماعی که از قدیم در تعزیه بوده و از آموزه‌هـای اجتماعی با تأثیرگذاری بسـیار بالا حتی در قشر کود و نوجوان وجود دارد استفاده کنیم و به نظرم بسیار حیف است چنین ظرفیت عظیمـی را تنها به‌عنوان هنر مناسبتی بهره‌برداری کنیم. مدیرعامل اسبق انجمن تئاتـر انقلاب و دفاع مقدس هم‌چنین با اشاره به فرایند برپایی ده دوره تعزیه در این انجمن در سـال‌ها گذشـته نیز اظهار کرد: از منظر اعتقادی بنده معتقدم که هر شـخصی که در هر برنامه مرتبط با عاشـورا و اباعبدالله در هر مقامی شـرکت کند بدون تردید سهم و نصیبی برایش مشخص‌شـده اسـت، یعنی نمی‌شود برای فرهنگ عاشورایی قدم برداشت بدون اینکه از قبل این سـهم برایش در نظر نگرفته شده باشد اما از منظر کارشناسی وقتی ویژگی‌های مختلف یک هنر و تأثیرگذاری آن را بفهمیـم و درک کنیم می‌بایسـت راه‌های بهره‌برداری آن را هـم بدانیم، بنده در دوران مدیریت انجمن تئاتـر انقلاب و دفاع مقدس طرح اجـرای تعزیه را به رئیـس وقت بنیاد فرهنگی روایت فتح ارائه کردم که ایشـان نیز با حمایت و پشتیبانی بسیار خوبی انگیزه ما را برای اجرای آن دوچندان کردند درواقع عامل اصلی برپایـی یک دهه تعزیه در انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس سـردار اثباتی بودند که خودشـان به‌عنوان یک پژوهشگر تعزیه باعث انگیزه و پشتیبان ما در برپایی تعزیه در روایت فتح شدند اکنون نیز بسیار خرسندم که جناب آقای دکتر نادری رئیس محترم بنیاد فرهنگی روایت فتح و دوستانشان در انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس با شناخت خوبی که از تعزیه و ظرفیت این هنر گران‌بها دارند باعث استمرار آن شـدند و شـک نداشته باشـید اسم این عزیزان در لیست اباعبدالله قرارگرفته است که امروز شاهد برپایی این مراسم تعزیه هستیم. این کارگردان و کارشـناس هنرهای نمایشی همچنین در خصوص قابلیت‌های تعزیه برای اجرا در تمام سـال نیز اظهار داشـت: تعزیه به‌عنوان یک هنرنمایشی صرف‌نظر از محتوای غنی، ارزشـمند و تأثیرگذار در حوزه فرهنگ عاشـورایی می‌تواند به‌عنوان یک هنرنمایشی خـاص و منحصربه‌فرد ایرانـی در تمام طول سال در همه‌ی موضوعات کار کند و امیدوارم نگاه مناسـبتی از روی آن برداشته شود، باور داشته باشید که ما هر آموزه‌ای که در جامعه نیاز داشته باشیم می‌توانیم از طریق تعزیه بیان کنیم زیرا این هنر به گواه بسیاری از محققان، پژوهشگران و تئوریسین‌های معتبر داخلی و خارجی ویژگی‌هایی دارد که هیچ‌گونه نمایشی در دنیا از آن برخوردار نیست.

نگاه

به خودمان یک شام خداحافظی بدهکاریم

*جعفر گودرزی

تئاتر وظیفه‌اش ایجاد شـور و نشـاط و تفکر در بازیگر و انتقال آن به مخاطب اسـت. هنـر تئاتر هنـر گفت گوی هنرمند بـا جامعه و افرادش است و تئاتر شام خداحافظی به درستی توانسته در همین راستا گام بردارد.

شـام خداحافظی آگاهی و رهایی از آلودگی‌های درون اسـت. نمایش هر چه جلوتر می‌رود تلخی‌ها و سیاهی و ابعاد روانشناختی و روانشناسی اش بیشتر و بیشتر عیان می‌شود و تاریکی‌های وجود شخصیتها را بیشتر جلوه گر می‌کند. شـام خداحافظی ،سـلام به حضور در ضیافت تاریکی‌های درون است. شام خداحافظی به مخاطب تلنگر می‌زند که اگر به دنبال عوامل سـلب آرامشـت هستی به درونت رجوع کن.

شـام خداحافظی در عین سادگی و صمیمی و انرژی و حس حال خوب و گرم بودنش ،پیچیده اسـت و صد البته سـادگی نهایت پیچیدگی است و در واقع سادگی را در بیرون و پیچیدگی را در درون خود دارد.

پی یر و همسرش کلوت به دنبال مقصر و قربانی اوضاع و شرایطشان می‌گردند که به مسلخ ببرندش حال آنکه در اصل قربانی اصلی خودشان هستند.

شـام خداحافظی از دریچه طنز به جراحی از هم گسـیختگی روابط اجتماعی می‌پردازد.روابط اجتماعی که در دنیای امروز شـخصیتهایی پنهان را برای همه بوجود آورده اسـت. شـام خداحافظی از آن دست نمایشنامه‌هایی است که به شدت به اجرا بستگی دارد و چقدر هوشمندانه و ظریف دراماتیزه و ایرانیزه شده و مخاطب به راحتی با آن همذات پنداری می‌کند.

تعامل و پاسکاری بازیگران روی صحنه قابل توجه است.همه چیز در لحظه اتفاق می‌افتد و گویی خود زندگی اسـت .هر سه بازیگر نمایش کاریزماتیک هستند و کیفیتی درونی به متن داده اند و با حضور قدرتمندانه شـان پویایی را برای نمایش رقم زده‌اند. حضور درست ،استفاده هنرمندانه از زبان بدن و بهره گیری از میمیـک صورت که نقش مهمی در انتقال حس وحال نمایش و کاراکترها را دارد توسط بازیگران گرما و انرژی و شیرینی خاصی را در کالبد نمایش دمیده . جوانه دلشاد بازیگر با آتیه و خوش ذوق در کنار دو بازیگر باتجربه ، به درستی عرض اندام می‌کند.راحت و رهاست و با نقش زندگی می‌کند.بیانی مسلط دارد و با دوری از بیانی یکنواخت و درک درست از ضرباهنگ کلمات و نوع ادای آنها هنر و اسـتعدادش را نمایان می‌کند و با تلفیق زبان بدن و اسـتفاده درست از میمیک و لحن درستش حضوری ارزشمند در نمایش دارد. در یک جمله نمایش به شدت مدیون بازی هنرمندانه و کم نقص بازیگرانش است.

میزبان شام خداحافظی در اصل هزارتوی آدم‌هایی است که از اصل خویش دور شده اند و خودشان نیستند. نمایش یادآور می‌شود که همه ما به خودمان یک شام خداحافظی بدهکاریم. نمایش شام خداحافظی را با لذت فراوان تماشا کردم و خاطره شیرینش در یادم خواهد ماندو دیدنش را توصیه می‌کنم.

***رئیس انجمن منتقدان و نویسندگان آثار سینمایی**

اخبارکوتاه

تیزر «علمدار» منتشر شد

تیزر موسیقی - نمایش عاشورایی «علمدار» منتشر شد. به گزارش روابط‌عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، موسیقی- نمایش عاشورایی «علمدار» با همراهی ارکستر سمفونیک تهران در ایّام منتهی به اربعین حسینی (ع) در تالار وحدت بـه روی صحنه می‌رود. علمدار، روایـت دلاوری و وفاداری حضرت ابوالفضل العباس (ع) در ۱۱ پرده نمایشی به تهیه کنندگی و روایتگری پرویز پرستویی، به همت بنیاد رودکی و با همکاری مؤسسـه فرهنگی «خادمین علی ابن ابی طالب (ع)» از ۱۴ تا ۱۸ شهریور اجرا می‌شود

در تیزر این رویداد، بخش‌هایی از اجرای گذشته این موسیقی- نمایش در تالار وحدت به تصویر کشیده شده است؛ اجرای علمدار پس از ۲ سال با بازآفرینی جدید همراه خواهد بود.

ارکسـتر سـمفونیک تهران را در این اجرا بردیا کیارس رهبری می‌کند که با همراهی گروه آوازی، آهنگسـازی پوریا خادم و آواز پوریا اخواص همراه است. این موسـیقی- نمایش به کارگردانی حسـین پارسـایی و نوشته محمدرضا کوهسـتانی با طراحی حرکت علی براتی است. بلیت‌های موسیقی- نمایش «علمدار»، به صورت همت عالی فروخته می‌شود و همه عوائد حاصل از هنری فروش اجراهای این اثر از طریق مؤسسـه فرهنگـی «خادمین علی ابن ابی طالب(ع)»، صرف کمک به خانواده‌های بی‌سرپرست، ساخت خانه، مدارس و خانه بهداشت و اشتغال زایی در مناطق محروم می‌شود. بلیت‌های موسیقی- نمایش علمدار از طریق سایت ایران کنسرت به نشانی iranconcert.com در دسترس علاقه‌مندان است.

عکس مشهور «چرچیل» را دزد برد!

عکس مشـهوری که «وینستون چرچیل» ـ نخست وزیر سابق بریتانیا ـ را به تصویر می‌کشد از هتلی در کانادا ربوده شد. به گزارش ایسنا و به نقل از سی ان ان، عکس مشـهور «شیر غران» توسط «یوسف کارش» (Yousuf Karsh) عکاس ارمنی ـ کانادایی به ثبت رسـیده است و «وینستون چرچیل» نخست وزیر سابق بریتانیا را به تصویر می‌کشد.

این عکس در هتلی واقع در «اتاوا» (کانادا) نگهداری می‌شد، اما چندی پیش ربوده و با یک نسخه کپی‌شده جایگزین شده است.

کارکنان این هتل در نوزدهم اوت متوجه شـدند، قاب این کپی با قاب سـایر ۱۴ عکس اثر «یوسف کارش» که در این هتل نگهداری می‌شوند تفاوت دارد. «کارش» این عکس که با عنوان «شـیر غران» شـناخته می‌شـود را در ۳۰ دسامبر سال ۱۹۴۱ و مدت کمی پس از آن ثبت شده که «چرچیل» سخنرانی پرشـوری در «اتاوا» انجام داد تا نیروهـای متفقین را از تهدید نازی‌ها مطلع کند. حالا مسوولان هتل «شاتو لوریل» تایید کرده‌اند که این عکسِ مشهور به سرقت رفته است. بر اساس تحقیقات صورت‌گرفته، این عکس چند ماه پیش یعنی در فاصله دسامبر ۲۰۲۱ تا ژانویه ۲۰۲۲ ربوده شده است.

گمان می‌رود این عکس بیش از ۱۰۰,۰۰۰ دلار ارزش داشته باشد.

درگذشت روزنامه‌نگار باسابقه معروف به «حسین سردبیر»

حسین سرفراز که از باسـابقه‌ترین روزنامه‌نگاران ایران به شمار می‌رفت، روز شنبه دور از وطن چشم از جهان فرو بست.

رضا قـوی فکر روزنامه‌نگار باسـابقه و دبیر انجمن پیشکسـوتان مطبوعات ایـران این خبر را به ایسـنا اعلام کرد و در توضیحاتـی درباره‌ی ویژگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای وی نوشت: حسـین سرفراز، روزنامه‌نگاری که پیش از انقلاب سـردبیری بیش از ۲۰ مجله‌ی معروف آن‌زمان را عهده‌دار بود و یکی از باسابقه‌ترین روزنامه نگاران ایران به شمار می‌رفت، روز گذشته دور از وطن چشم از جهان فرو بست. پیشینه درازمدت او در سردبیری نشریه‌های گوناگون باعث شده بود که در میان اهالی مطبوعات به «حسین سردبیر» معروف باشد. او از جمله بنیانگذاران سندیکای نویسندگان وخبرنگاران مطبوعات هم بود.

حسین سرفراز یازدهم اسفند سـال ۱۳۱۲ خورشیدی در شهر داراب فارس دیده به جهان گشـود. تا کلاس نهم (سیکل اول) در داراب درس خواند و در اردیبهشـت سال ۱۳۳۰ به شـیراز رفت و دیپلمش را آنجا گرفت. وی سپس موفق شد به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران راه یابد و در رشته تاریخ و جغرافیا فارغ‌التحصیل شود. حسین سرفراز همزمان با تحصیل نوشتن مقاله، گزارش و تهیه گفتگو را در نشریه آژنگ به سردبیری ایرج نبوی آغاز کرد. با پایان یافتن تحصیلات دانشگاهی حسـین به یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای وتمام عیار تبدیل شـده بود. او سپس سردبیر نشریه دنیای جدید شـد و پس از مدت‌کوتاهی به سـردبیری مجله موفـق امید ایران رسـید. از آن پس تا ۲۰ سـال بعد سردبیری مجلات معروف آن زمان از جمله خواندنی‌ها، سپیدوسیاه، روشنفکر، تهران‌مصور، خوشه و ... را بر عهده گرفت. او سپس مدتی با روزنامه مردم کار کرد و سـپس با انتشار روزنامه رستاخیز از جمله بنیانگذاران این روزنامه بود. سرفراز مدتی نیز مدیر مجله جوانان این روزنامه بود که خود آن را بنیان نهاد. او سپس به امریکا مهاجرت کرد و از آغاز دهه هفتاد ۱۰۵ شماره نشریه هفتگی ایران‌خبر را در آنجا منتشر کرد. سرفراز شاعر هم بود. از او مجموعه شعری در سال ۱۳۴۳ منتشر شـد. او در غربت نیز مجموعه‌ی شعری تحت عنوان‌مثل سروکاشـمر منتشر کرد. این روزنامه‌نگار قدیمی در دهه ۹۰میلادی از فعالان کانون دوستداران فرهنگ ایران در واشنگتن بود.